

## عنوان مقاله:

نقش ژنتیک در عواطف با تاکید بر نوروساینس تحولی

## محل انتشار:

اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

## نویسندگان:

طاهره محمودیان دستنایی - دکترای روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان

بهار حاج رضایی - کارشناس ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

## خلاصه مقاله:

علاقه به چگونگی کارکرد مغز و ذهن و پژوهش های بالینی به کمک مقیاس های شخصیتی علوم اعصاب برای قرن ها در حال انجام بوده است با این حال علوم اعصاب شناختی نسبتاً جدید است و قدمت آن به سال 1970 می رسد. علم عصبشناختی یک رویکرد چند رسانه ای است در آن از تکنیک های نظیر تصویر برداری از مغز، مقیاس های ارزیابی فیزیولوژیکی مورد استفاده قرار می گیرد. با این حال از روش های شناختی برای کارکرد های فرایند های ذهنی نیز استفاده می شود. علومعصب شناختی برای پیدا کردن چگونگی اثر مغز بر ذهن بدنبال رو شهای خلاقانه و پیچیده ای می باشند. توضیحاتمنحصراً فلسفی از رفتار انسان منجر به پیشرفت در علوم طبیعی و پزشکی شده است که به روش های علمی منجر شدهاست و منجر به انقلابی در تفکر علمی شده است که رفتار انسان ناشی از فعالیت مغز است. هر کدام از رفتارها نظیر احساسات ، کنترل و شناخت در قسمت های مختلف مغز توزیع شده اند. یک سری از عوامل زیست محیطی که در سراسر زندگی شکل گرفته اند ، برگرفته از رفتارهای ژنتیکی افراد است. فن آوری های جدید از جمله FMRT و PET دانشمندان را قادر می سازد عملکرد مغز در بیماران و عملکرد شناختی نرمان نظیر همدلی بررسی نمایند (آندره و همکاران، 2008) تحولات علوم اعصاب و عده های بزرگی در زمینه درک ما از خودمان و رابطه ما با جهان خارج به ما داده است.

## کلمات کلیدی:

ژنتیک ، عواطف ، نورساینس

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/366937>

